

به "کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه" بپیوندید!

کارگران! مردم شریف و آزاده!

در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳ (اول ماه مه ۲۰۰۴) جمعی از کارگران سقز کوشیدند به مناسبت روز جهانی کارگر در این شهر مراسمی برگزار کنند. کارگران برای مراسم خود درخواست مجوز کرده بودند، اما فرمانداری سقز ظهر همان روز اعلام کرد که به مراسم مجوز نمی دهد. همسران ما، محمود صالحی، جلال حسینی، محمد عبدی پور و محسن حکیمی، همان طور که در احکام آن ها هم آمده به طرف محل مراسم حرکت کردند تا به مردم بگویند مراسم برگزار نمی شود و از آنان بخواهند متفرق شوند. اما پیش از رسیدن به محل و قبل از هر اقدامی همراه ده ها نفر از کارگران که از گوشه و کنار شهر به محل مراسم نزدیک می شدند، دستگیر شدند. آنان روانه زندان شدند بی آن که هیچ مراسم و تجمعی برگزار شده باشد و آن ها فرصت پیدا کرده باشند درباره مسائل و مشکلات کارگران صحبت کنند. با اعتراض و تلاش مردم، به جز ۷ نفر از جمله همسران ما همه دستگیرشدگان آزاد شدند. این ۷ نفر پس از ۱۲ روز زندان و اعتصاب غذا و سپردن وثیقه های سنگین تا ۲۰۰ میلیون تومان آزاد شدند، و اکنون پس از ۱۸ ماه احضار پیاپی به دادگاه، به استثنای دو نفر که برایشان قرار منع تعقیب صادر شده است، پنج نفر بقیه محکوم شده اند: محمود صالحی ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید، جلال حسینی ۳ سال زندان، و محسن حکیمی، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر هر یک ۲ سال زندان.

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر طبق مقاله نامه های سازمان جهانی کار، که به امضای جمهوری اسلامی نیز رسیده است، حق هر کارگری است و نمی توان کارگرانی را که تازه فقط قصد برگزاری این مراسم را داشته اند برای این کار محکوم و روانه زندان کرد. همسران ما قصد برگزاری مراسمی مسالمت آمیز را داشته اند. آنان قصد داشتند در این روز، که روز همه کارگران در سراسر جهان است، از حقوق کارگران دفاع کنند، از حق داشتن کار، امنیت شغلی، دستمزد مناسب، حق داشتن تشکل های مستقل و حق برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمندانه. آیا همین ها نیست آنچه دستگیر کنندگان و محکوم کنندگان همسران ما نمی خواستند گفته شود؟ در شرایطی که فقر و بیکاری بیداد می کند و کارگران مجبورند برای به دست آوردن کار و سیر کردن شکم خود و خانواده های خود روزها پشت درهای بسته کارخانه ها در انتظار بمانند و تازه اگر موفق شوند کار پیدا کنند به هر قرارداد ستمگرانه از جمله قراردادهای موقت و سفید امضا، بدون بیمه، بدون رعایت ایمنی در محل کار، بدون مرخصی و با ساعات کار طولانی و دستمزدهای کیلومترها زیر خط فقر تن دهند، آیا زندانی کردن کارگرانی که خواسته اند از حقوق پایمال شده خود و هم طبقه ای هایشان دفاع کنند خوش خدمتی به سرمایه دارانی که خون ما را می مکند نیست؟ آیا دستگیری و محکومیت همسران ما ضدیت با خواسته های انسانی آن ها نیست؟ به راستی، این بی عدالتی عریان چه توجیهی دارد؟

همسران ما انسان های شریف و زحمتکشی هستند که جز دفاع از حقوق حق خود و سایر کارگران هیچ قصد دیگری نداشته اند، و همواره خواستار یک زندگی آزاد و انسانی و فارغ از فقر، بیکاری، بی حقوقی و

بهره کشی بوده اند. ما به تلاش آن ها افتخار می کنیم، از زندگی با چنین انسان هایی به خود می بالیم و احکام محکومیت آنان را عین بی عدالتی می دانیم. ما با صدای بلند به این احکام ناعادلانه اعتراض می کنیم و از همه کارگران، سازمان ها، نهاد ها و تشکل های کارگری، و از همه آزادیخواهان و حق طلبان می خواهیم که با ما و فرزندانمان همصدا شوند و به این احکام ناعادلانه اعتراض کنند.

ما با پاسخ مثبت به فراخوان همسرانمان برای ایجاد "کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه" نخستین گام را برای تشکیل این کمیته بر می داریم و از همه کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، حقوقدانان، نویسندگان، دانشگاهیان و تمام گروه های اجتماعی دیگر که درد کارگران را می فهمند و خواهان عدالت و آزادی هستند دعوت می کنیم که برای اعتراض به این احکام ناعادلانه به "کمیته دفاع از حقوق دستگیرشدگان اول ماه مه" بپیوندند تا با هم از آزادی انسان های شریفی دفاع کنیم که جز آزادی انسان چیز دیگری نمی خواهند.

عایشه جهانپور، همسر جلال حسینی
نجیبه صالح زاده، همسر محمود صالحی
لطیفه قیطاسی، همسر محمد عبدی پور
منیژه گازرانی، همسر محسن حکیمی

۱۳۸۴/۹/۲